



صفات رذیله عقل را می پوشاند/ تهذیب نفس از اوجب واجبات است

آیت الله مظاهری گفت: پست‌تر از میکروب سرطان و خوره و از هر گرگ درنده، کسی است که عقل دارد و تعقل ندارد و فکر دارد و تفکر ندارد، یعنی صفت رذیله روی عقل او را پوشانده است و نمی‌گذارد عقلش کار کند.

آیت الله مظاهری گفت: پست‌تر از میکروب سرطان و خوره و از هر گرگ درنده، کسی است که عقل دارد و تعقل ندارد و فکر دارد و تفکر ندارد، یعنی صفت رذیله روی عقل او را پوشانده است و نمی‌گذارد عقلش کار کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقمندان در پی می‌آید:

بحث این چند هفته ما در یک امر مقدسی بود و آن امر مقدس این بود که ما برای چه خلق شده‌ایم و هدف از خلقت ما چیست؟! در این باره صحبت‌هایی کردم و در جلسه قبل بحث رسید به اینجا که خلق شده‌ایم برای اینکه آدم شویم. خلق شده‌ایم برای اینکه با اختیار خود درخت رذالت را از دل بکنیم و درخت فضیلت به جای آن غرس کنیم. آن شجره طیبیه را بارور کنیم و از میوه آن هم خود و هم دیگران استفاده کنیم. به عبارت دیگر هدف از خلقت اخلاق است.

بحث اخلاق، بحث مقدسی است؛ و قرآن هم می‌گوید: من کتاب اخلاقم. قرآن هم می‌فرماید پیغمبر اکرم معلم اخلاق است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» [۱]

باز قرآن می‌فرماید: معلم قرآن خداست. زمینه فراهم کنید تا خدا معلم اخلاق شما باشد:

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ» [۲]

حال چیزی که معلم او خدا باشد و قرآن را برای او فرستاده باشند و پیغمبر اکرم را برای او مبعوث کرده باشند، معلوم است که چیز مقدسی است، لذا به قول بزرگان از اوجب واجبات، تهذیب نفس است. از اوجب واجبات اینست که ما روی اخلاق کار کنیم.

اولاً بدانیم که صفات رذیله داریم و این صفات رذیله را به این زودی نمی‌شود ریشه کن کرد. بعد باید بدانیم که باید دیو بیرون رود و فرشته درآید. صفات رذیله را از دل بکنیم و به جای آن صفات فضائل و آدمیت غرس کنیم و مواظبت کامل مانند شجره طیبیه قرآن باشد و ریشه‌دار و شاخه‌دار و میوه‌دار باشد و از این شجره طیبیه استفاده کنیم.

در بحث گذشته فهمیدیم که این کار مشکلی است. مواظبت‌ها می‌خواهد و عنایت‌ها می‌خواهد تا انسان بتواند آدم شود. اما اگر به راستی آدم شد، باید بگوییم هدف از خلقت همین است. قرآن آمده و پیامبران آمده‌اند و خدا عنایت کرده است که ما خود را بسازیم تا آدم شویم، و الا اگر آدم نشویم به قول قرآن: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» [۳].

حال اگر آدم نباشیم، دوان دوان رو به جهنم می‌رویم. البته با اختیار خودمان است و خدا نمی‌خواهد ما جهنمی شویم. پیغمبر اکرم گریه‌ها و زاری‌هایی در دل شب دارد و مخصوصاً آن وقتی که پیغمبر اکرم را اذیت می‌کردند، گریه و زاری می‌کردند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» [۴]

مثل امام حسین و عیالش که مقدس‌ترین افراد هستند، برای شهادت می‌آیند، برای اینکه ما آدم شویم. عنایات از طرف خدا زیاد است و مائیم که باید از این عنایات خدا استفاده کنیم. چیزی که همه باید توجه داشته باشیم و یک امر ضروری است، یعنی عقل ما مستقلاً حکم می‌کند که صفات رذیله بد است. هر دیوانه‌ای می‌داند که ظلم بد است. یک بچه یک‌ساله که در سر خواهرش می‌زند، می‌داند که بدکاری می‌کند و این یک امر فطری و ضروری است. لذا پیامبرهای درون به ما می‌فهمانند که صفات رذیله بد است و باید این صفات رذیله را قلع و قمع کرد و نابود کرد. همه، چه باسواد و چه بی‌سواد و چه مقدس و غیرمقدس و چه جانی و چه غیر جانی، می‌دانند که صفات رذیله بد است و یا حسد بد است و می‌داند ظلم بد است و تکبر و

خودخواهی بد است و می‌داند که دنیا طلبی و ریاست طلبی انسان را بدبخت می‌کند. لذا اگر خودسازی نکرد و صفات رذیله روی او کار کرد، دانسته جهنمی می‌شود و دانسته از هر درنده‌ای درنده‌تر می‌شود. چیزی که باعث تأسف است، اینست که توفیق خودسازی نداریم یا کم داریم. دلش می‌خواهد بعضی از واجبات را به جا بیاورد و به جا می‌آورد و یا دلش پر می‌زند برای بعضی از مستحبات. الان شما دلتان می‌خواهد در خانه خدا نماز مغرب و عشا را خوانده باشید و طواف کنید. همه شما می‌خواهید الان نماز مغرب و عشا تمام شده در کربلا باشید و حسین حسین کنید و زیارت بخوانید و در حرم امام حسین اظهار ارادت خدمت امام حسین کنید، اما حسودید، آیا راجع به این حسادت کار کرده‌اید؟! «أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» [۵] یا اینکه خودخواه و ظالمید و دیگرگرا نیستید و خودپرستید، آیا روی اینها کار کرده‌اید یا نه؟! «أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» و این یکی از بدبختی‌های انسان است.

این همه پیامبرها و مخصوصاً قرآن و پیغمبر خاتم و اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» خودشان را فدای این اسلام عزیز کردند و چه صدماتی خوردند و همه اینها را می‌دانیم، اما در کار تغافل داریم. این خیلی مصیبت است. اما در خودسازی، خودسازی نمی‌کنیم و این خیلی مصیبت است، درحالی که عقل ما می‌گوید باید خودسازی کنیم و علمای علم اخلاق در اول کتابشان می‌گویند از اوجب واجبات است که ما روی خودسازی کار کنیم.

توجه به این مطلب که اگر انسان کار نکند، بعضی اوقات از هر درنده‌ای و از هر میکروبی درنده‌تر و موذی‌تر می‌شود. خیلی از انسان‌ها را سراغ داریم که ضرر آن از هر میکروب و سرطانی برای جامعه بیشتر است و برای خودش هم ضرر دارد. بعضی انسان‌ها اظهار تمدن می‌کنند، اما از تمدن بویی ندارند. مثال‌های زیادی هم دارد و از زمان حضرت آدم تا الان بوده است. هفته گذشته یک قضیه واقع شد که این قضیه خیلی تکان دهنده است. دولت فرانسه یا استکبار جهانی تحریک کرد و در مؤسسه‌ای توهین به پیغمبر اکرم شد. دوباره داعشی‌ها را تحریک کرد تا افراد آن مؤسسه را کشتند. دوباره یک راهپیمایی در فرانسه علیه اسلام عزیز برپا کردند به عنوان اینکه اسلام خشن است.

آن جسارت به پیغمبر را خودشان کردند و آن روی کار کردن داعشی‌ها را خودشان کردند و به داعشی‌ها امر کردند آن عده‌ای را که در مجله توهین به پیغمبر کرده بودند، کشتند. حال دنیای غرب به کار افتاد تا به مردم بگوید اسلام خشن است. راهپیمایی خیلی بالا بود و غالب سران غرب در این راهپیمایی آمده بودند. همه هم می‌دانستند که چه می‌کنند. چرا چنین است؟! وای بر بداخلاقی! وقتی بی اخلاق باشد، کار به اینجا می‌رسد. آنگاه آزادمرد نیست و مردانگی نداریم و با نامردی هرچه بتوانند می‌کنند. صهیونیست‌ها اینطور هستند، اما به دست همین صهیونیست‌ها چند روز قبل دنیای غرب تکان خورد. کار اولشان یعنی توهین به پیغمبر خیلی بد و زشت بود و کار دومشان کشتن آن عده خیلی بد بود و آن راهپیمایی آنها علیه اسلام عزیز به عنوان خشونت اسلام، از آن کار اول و دوم خیلی زشت‌تر بود و اینها از بی‌اخلاقی سرچشمه گرفته است. اگر آدم بودند، هیچکدام از اینها واقع نمی‌شد.

اگر غرب جداً درخت رذالت را از دل کنده بود، اصلاً صهیونیسم پیدا نمی‌شد. وقتی درخت رذالت را نکندند، صهیونیسم پیدا می‌شود. صهیونیسم را غربی‌ها درست کردند برای اینکه در دل مسلمان‌ها دشمن سرسخت مثل یهودی درست کنند و بتوانند خاورمیانه را به طور کلی نابود کنند. این جمله حضرت امام خیلی شیرین است، می‌گفتند هرکس یک سطل آب خرج صهیونیسم کند، آنگاه یک دریا می‌شود و صهیونیسم را در دریا می‌برد. این تغافل ما و آن هم کارهای زشت آنها، و همه از بی‌اخلاقی سرچشمه گرفته است. وقتی ظالم و موذی هستند، میکروب سرطان ناخواسته اسلام را می‌کشد. میکروب خوره و وبا ناخواسته یک ملت را می‌کشد. قرآن می‌فرماید بدتر از این میکروب، انسانی است که اخلاق ندارد:

«إِنَّ سَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» [۶]

پست‌تر از سرطان و میکروب خوره و از هر گرگ درنده، کسی است که عقل دارد و تعقل ندارد و فکر دارد و تفکر ندارد، یعنی صفت رذیله روی عقل او را پوشانده است و نمی‌گذارد عقلش کار کند و صفت رذیله نمی‌گذارد پیامبرهای درون کار کنند، و الا ما سه پیامبر در درونمان داریم. فطرت و عقل و وجدان اخلاقی ما است. به راستی ما به دنیای غرب می‌گوییم ما از عقل و فطرت و وجدان اخلاقی گذشتیم. چرا ما وجدان اخلاقی نداریم؟! شما که می‌گویید ما متمدن هستیم، پس این وجدان اخلاقی و این پیامبر درون چه شد؟! پیامبر درون در اثر بی اخلاقی مُرد. وقتی که صفت رذیله گل کند، نه عقل و نه وجدان اخلاقی و نه فطرت نمی‌تواند کار کند. حال گاهی کوچک است، مثل اخلاق بین زن و شوهر است و العیاذبالله زن به شوهرش خیانت می‌کند و این خیلی زشت و بد است.

یا مرد به اندازه‌ای بداخلاق است که بچه‌ها و یا زن حق حرف زدن ندارند و بعضی اوقات بی ادبی به آنجا می‌رسد که کتک هم می‌زند. پس وجدان اخلاقی چه شد؟! وقتی صفت رذیله باشد و وقتی خیانت باشد یا بی عفتی و ظلم باشد، روی آنها پوشیده می‌شود و قرآن می‌فرماید بعضی اوقات وجدان اخلاقی کشته می‌شود و صفات رذیله نمی‌گذارد وجدان اخلاقی کار کند. در جهنم هم حسرت می‌خورد و می‌گوید «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» [۷]؛ ما عقل نداشتیم که به جهنم آمدیم

و الا اگر عقل داشتیم جهنمی نمی شدیم. اما بگویند عقل داشتید، اما نگذاشتید عقل کار کند در اثر صفات رذیله. ما الان فساد اداری داریم، الان فساد اقتصادی داریم، به علت بی اخلاقی. ما الان فساد اخلاقی داریم، بی عفتی در فرانسه به این اندازه نیست. لذا دختر شیعه یا زن شیعه که ارادت به فاطمه زهرا دارد، حجابش از حجاب غربی‌ها بدتر شده است. این از کجا سرچشمه گرفته است؟! به جهنم که می‌رود می‌گویند من بی عقل بودم که به جهنم آمدم و الا به جهنم نمی‌آمدم.

انسان باید مواظب باشد. اگر به راستی آدم باشیم، آنگاه فساد اداری نداریم.

غزالی در احیاء العلوم قضیه عجیبی دارد. می‌گوید حاکمی را به حمص یکی از شهرهای سوریه فرستادند. این حاکم مدتی کار کرد و بعد از دستش شکایت کردند و گفتند این شب‌ها پیدا نیست و روزها بعضی اوقات دیر سر کار می‌آید و در هفته یک روز هم اصلاً پیدا نیست. او را خواستند و او پیاده به مدینه آمد. شکایت‌ها را به او کردند و او گفت هر سه درست است و اما جواب دارم. اینکه شب پیدا نیستم، برای اینکه وقتی را قسمت کردم بین خدا و مردم و روز را به مردم دادم و شب‌ها برای خداست. لذا به راز و نیاز و رابطه با خدا مشغولم و اما اینکه گاهی صبح‌ها دیر بیرون می‌آیم، برای اینست که من کلفت و نوکر ندارم و کارها را با خانم قسمت کردیم و پختن نان از من شده است و تا خمیر مهیا شود، دیر می‌شود و اما اینکه در هفته یک روز پیدا نیستم، برای اینست که در هفته یک روز باید لباس عوض کنم و لباس اضافه ندارم و لذا آن لباس را که می‌شویم، برهنه می‌مانم و باید صبر کنم تا لباس خشک شود. بعضی اوقات نمی‌توانم با مردم تماس بگیرم. گفتند جواب‌ها خوبست و پولی به عنوان جایزه یا خرج راه به او دادند. این به حمص آمد و به مسجد رفت و جارچی او داد زد که من پول غیر بیت‌المال دارم و از خود من است و بالاخره فقرا و محتاج‌ها آمدند و گرفتند و قدری باقی ماند. وقتی به خانه آمد، به خانم گزارش داد و خانم گفت: خوبست که یک کلفت بخریم. گفت صبر کن کار لازم‌تری داریم. آنگاه یک فقیر پیدا شد و پول رابه او داد و به خانم گفت: آیا اینطور بهتر نیست؟! کار را خودمان می‌کنیم و اما رسیدگی به یک فقیر و بینوا می‌کنیم. خانم گفت بله اینطور بهتر شد.

این یک حاکم و استاندار است و اما اگر به راستی همه اداری‌های ما اینطور بودند، ما اصلاً فساد اداری نداشتیم. رشوه خواری و کم کاری و بدکاری و بیکاری نبود. ما در سال اول که نظام پیروز شد، خیال می‌کردیم که فساد اخلاقی و اداری و اقتصادی تمام شد، اما نمی‌دانستیم به اینجا می‌رسد. وای از بی اخلاقی! اگر انسان روی اخلاق کار نکند، صفات رذیله چیره می‌شود و قوی می‌شود. مثل میکروب سرطان است و گل می‌کند. مثل میکروب خوره است و آدم را می‌کشد. چرا ما باید فساد اقتصادی داشته باشیم؟! اسلام عزیز می‌گوید اسلام پیاده شود آنگاه فساد اقتصادی نداریم. این تجمل‌گرایی‌ها و این سر و صداها و بالاخره این خودگرایی‌ها، فساد اقتصادی پیدا کرده که جداً کمرشکن است. این فساد اقتصادی برای فقرا و مستمندان کمرشکن است. دنیای غرب که دشمن سرسخت ماست، از این فساد اقتصادی ما خیلی خوشحال است. حال چرا باید فساد اقتصادی باشد؟!

امیرالمؤمنین(ع) پنج سال حکومت کرده و حکومتی که یک خار در چشمش و یک استخوان در گلو داشته و سه جنگ برای امیرالمؤمنین جلو آوردند. جنگ جمل و صفین و نهروان و این جنگ‌ها را بی اخلاقی آورد. حال مرادم اینجاست که امیرالمؤمنین(ع) راجع به پنج سال حکومت در نماز جمعه در مقابل دوست و دشمن می‌فرماید: ای مردم همه شما از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و ازدواج در رفاه هستید. یعنی فقر نیست و من فقر را برداشتم. بعد می‌فرماید: ای مسلمان‌ها من آب از دجله به کوفه کشیدم و پنج سال حکومت اینگونه که همه در جنگ و مشقت و زحمت بوده و به قول امیرالمؤمنین یک خار در چشم و یک استخوان در گلویشان بوده و اما اقتصاد اسلام را پیاده کردند، آنگاه فقر رفت. آقا امام زمان وقتی بیابند قرآن را پیاده می‌کنند. هفته گذشته گفتم وقتی آقا امام زمان آمدند با معجزه به یک شبانه روز مسلط بر جهان و به شش شبانه روز مستقر در جهان می‌شود. اما بعد فقر و تبعیض و ظلمی نیست و اینها معجزه و خرق عادت نیست، بلکه پیاده کردن قرآن است و مفسر و مبین آن هم ولایت است. معلوم است وقتی قرآن پیاده شود و مبین آن ولایت یعنی آقا امام زمان باشد، آنگاه فقر و ظلم و تبعیض نیست: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» [۸]

اگر به راستی زن‌ها عفت را مجسم کنند، یک زن می‌شود. خانم خیلی ظرافت دارد و اما خیلی عفت دارد، اما چرا این بی‌عفتی برای ما درست شده است؟ البته دشمن روی آن خیلی کار کرده و می‌کند و الان بیش از هزار رسانه برای بی‌عفتی زن‌ها کار می‌کند و بیش از هزار رسانه برای بی‌غیرتی مرد‌ها کار می‌کند، اما چرا ما اجازه می‌دهیم غربی‌ها بر زن ما مسلط شوند؟ همه اینها برای اسلام زدایی است. قضیه هفته گذشته نیز اسلام زدایی است و می‌خواهند اسلام نباشد. البته می‌خواهند شیعه نباشد، برای اینکه می‌دانند شیعه موی دماغ اینهاست. لذا این بی‌عفتی‌ها از بعضی از خانم‌ها چرا اینطور شده است؟! گفتم اگر عفت را مجسم کنند یک خانم می‌شود. این آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ عَفْوَاً رَحِيماً» [۹]، اینکه خانم چادر سر کن و رویت را بگیر و شخصیت زن به این چادر است.

استاد بزرگوار ما علامه طباطبائی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در المیزان یک روایت نقل می‌کند و می‌فرماید وقتی آیه شریفه آمد زن‌ها در کیسه سیاه رفتند. یعنی سر تا پا چادر و روبنده هم داشتند. این عفت خانم یک مسلمان است. حال چرا خانم شیعه

باید اینطور باشد؟! این چادر از ایران و اسلام است. یعنی یک امر ملی است. اگر شما تاریخ را مطالعه کنید، عکس خانم در جایی نیست. چادر مخصوصاً در بزرگان آنها هست و لذا یک امر ملی است و یک امر شیعی و اسلامی است، اگر ما مسلمان باشیم.

به قول قرآن این چادر که علامت شخصیت خانم است، ببینید که وضعش به کجا رسیده است! این به خاطر بی اخلاقی است. وقتی بی اخلاق شدیم، فساد اخلاقی برای ما جلو می‌آید. هم شیطان انسی می‌آورد و هم شیطان جنی؛ لذا الان شیطان‌های انسی خیلی روی فساد اخلاقی کار می‌کنند. لذا اگر بخواهیم فساد اداری نباشد و اگر بخواهیم فساد اقتصادی نباشد و اگر بخواهیم فساد اخلاقی نباشد، باید جامعه را مخلّق کنیم به اخلاق الله. باید همه روی اخلاق کار کنیم. باید همه مواظب باشیم و درخت رذالت را بکنیم و درخت فضائل غرس کنیم و بارور کنیم و میوه دار کنیم و قرآن می‌فرماید میوه این شجره طیبه اینست که فساد اداری و فساد اخلاقی و اقتصادی نیست و یک زندگی صد در صد سالم و در رفاه و آسایش داریم.

پی نوشت ها

[۱]. الجمعة، ۲: «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

[۲]. النور، ۲۱: «و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند.»

[۳]. الأعراف، ۱۷۹: «و در حقیقت، بسیاری از جتّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری]، آنها همان غافل‌ماندگانند.»

[۴]. اعلام الوری، ص ۸۳.

[۵]. الأعراف، ۱۷۹: آنها همان غافل‌ماندگانند.

[۶]. الأنفال، ۲۲: «قطعاً بدترین جنبنندگان نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند.»

[۷]. الملك، ۱۰: «و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم.»

[۸]. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶

[۹]. الأحزاب، ۵۹: «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است.»